

بررسی تطبیقی عناصر معماری در اشعار مولوی و حافظ

صغری نیرومند شیشوان^{۱*}، پریسا تاکی^۲

۱- عضو هیأت علمی گروه معماری دانشگاه بناب، s.niroumand.shishavan@bonabu.ac.ir

۲- فارغ التحصیل کارشناسی معماری دانشگاه بناب، parisa_taki@yahoo.com

چکیده

ادبیات به عنوان علمی میان رشته‌ای، در تاریخ فرهنگ و معماری ایران زمین نقش تأثیرگذار و قابل توجهی داشته است. شاید یکی از جامع ترین توصیف‌ها این باشد که بگوییم: «مجموعه‌ی تظاهرات هنری هر قوم که در قالب کلام توصیف‌ها ریخته شده است، ادبیات آن قوم به شمار می‌آید».

با نظر بر اینکه مفهوم اشعار دربردارنده‌ی عقاید جامعه‌ای ست که شاعر در آن زندگی کرده است؛ بنابراین می‌توان مشاهده نمود که کاربردهای مادی و معنوی عناصر عمران و توسعه‌ی یک قوم در کلام شاعران و نویسندگان آن قوم نمود داشته باشد.

این مقاله بر آن است که به روش تطبیقی به بیان اشتراکات عناصر موجود در معماری و اشعار مولوی و حافظ- شاعران دو سده‌ی هفتم و هشتم هجری قمری- بپردازد و با تفحص در سبک و ویژگی‌های معماری جامعه‌ای که شعرای مذکور در آن می‌زیسته‌اند، به بررسی میزان ارتباط میان سبک معماری دوره‌ی زندگی شاعر و شعر او می‌پردازد. این پژوهش نوآوری‌ای در تطبیق عناصر معماری زمان این شاعران و اشعار ایشان خواهد داشت؛ زیرا اشعار این شعرا بارها و بارها از دیدگاه‌های مختلف و حتی به لحاظ تطبیق معماری عصر ایشان با اشعارشان مورد بررسی قرار گرفته است و واژه‌شناسی شده‌اند؛ اما بررسی میزان صحت این تطبیق‌ها امری نو خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: شعر، معماری، مولوی، حافظ، ایلخانیان، تیموریان

۱- مقدمه

ادبیات به عنوان علمی میان رشته‌ای، در تاریخ فرهنگ و معماری ایران زمین نقش تأثیرگذار و قابل توجهی داشته است. شاید یکی از جامع ترین توصیف‌ها این باشد که بگوییم: «مجموعه‌ی تظاهرات هنری هر قوم که در قالب کلام توصیف‌ها ریخته شده است، ادبیات آن قوم به شمار می‌آید» [۱]

ادبیات در میان هنرها، رسانه‌ای است که با استفاده از زبان کلامی به وجود آمده و معانی از طریق زبان منتقل می‌شوند. این ویژگی باعث گردید که هنرمندان جهت انتقال معانی و مفاهیم پیچیده رو به ادبیات به‌ویژه شعر آورند و با استفاده از کلمات و جملات در کتیبه‌ها، در جایگاه‌ها و موارد خاص، معانی و مفاهیم موردنظر را به مخاطبان انتقال دهند. ازجمله این هنرها معماری است. کوچک‌ترین جزء شکل‌دهنده در یک اثر معماری دارای مفهوم و معنی خاص است و قرارگیری اشعاری متناسب با فضاهایی خاص به‌طور واضح‌تری با فضای موردنظر ارتباط برقرار می‌کند و این هنر معمار است که با این حرکت بر تأکید آن فضاها می‌افزاید. [۲]

با نظر بر اینکه مفهوم اشعار دربردارنده‌ی عقاید جامعه‌ای است که شاعر در آن زندگی کرده است؛ بنابراین می‌توان مشاهده نمود که کاربردهای مادی و معنوی عناصر عمران و توسعه‌ی یک قوم در کلام شاعران و نویسندگان آن قوم نمود داشته باشد.